



بنیاد محسّر ایران

جشن مهرگان

برمان

THE MEHRGAN CELEBRATION

BY
BORHAN

\$3.⁰⁰

۵۰۰۰

۱۰



بنیاد محسین ایران

محمد حسین

برهان

پیرزاده گنجینه‌ها
حیدری، فرهاد و محسن



نمایده ایران

□ جشن مهرگان

□ برهان

□ چاپ یکم

□ تابستان ۱۳۵۶ یزدگردی - ۱۹۸۷

چاپ و انتشارات دینیتی، شماره ۲۴۲۸ - ۱۱۳۴۷۷

Copyright 1987

All Rights Reserved

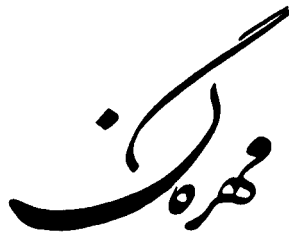
Printed In The United States of America

آن چه در این دفتر آمده است:

برنام (عنوان)	رویه (صفحه)
۱- شادی از دید ایرانیان	۶
۲- جشن و آیین های گوناگون	۷
۳- مهر و مهربان	۹
۴- مهرگان و مهرگانی	۱۱
۵- مهرگان همگان و ویزگان	۱۲
۶- انگیزه های برگزاری مهرگان	۱۳
۷- پیشینه ی سرگذشتی مهرگان	۱۴
۸- مهرگان و دیگران	۱۷
	۳

۱۸	۹- مهرگان و آتش
۲۰	۱۰- مهرگان و ساز و نوا
۲۲	۱۱- مهرگان و پیمان
۲۳	۱۲- مهرگان و داد و دهش
۲۴	۱۳- مهرگانی
۲۶	۱۴- پیشباز مهرگان
۲۶	۱۵- سفره ی مهرگان
۲۹	۱۶- برگزاری آیین ویژه ی مهرگان
۳۲	۱۷- ارمغان مهرگانی
۳۵	۱۸- آتش نیایش
۳۶	۱۹- خورشید نیایش
۳۷	۲۰- مهر نیایش
۳۹	۲۱- یادی از مهرگان برون مرزی

به نام ایران و ایرانی



روزمهر، ماه مهر، جشن فرخ مهرگان
مهر بفضای ای، نگارمهرچهر، مهربان
مسعود سعد

باسپاس از ایرانیان پاک نهاد، دوستان ارجمند و
ایران دوستانی که با مهری بسیار به فرهنگ ایران،
فرهنگ جهانگیر و دیرپایی که به ما سرفرازی
بخشیده است. پاس مهردارند و هنوز به برگزاری
مهرگان می پردازند و این کهن آیین را هر سال جشن
می گیرند. امیدوارم، در برابر این همه بزرگی، من
نیز بتوانم، برگی چند از بایگانی فرهنگ پراج ایران
جاودان و با فروشکوه، دوستداران مهر و مهرگان را
ارمغان کنم.

● شادی ازدید ایرانیان

برای آن که به بررسی کوتاهی پیرامون شادی ازدید مادران و پدران مان پردازیم، باید یادآور شویم که:

زیست ازدید ایرانیان کهن و بافرهنگ، به ویژه مهریان پاکدل و مردم دوست برسه پایه ی مهر—رنج و نبرد استوار است. پایه های پولادینی که اگر برخوردار از آن ها شویم، به پایگاه بلند و باشکوه زندگی می رسیم. آن گونه زندگی که از آن به هم آهنگی یاد کرده اند، هم آهنگی منش با آفرینش. درچنین جایگاه سرفرازی است که با، شکوه، شادی و سرشاری رو یاروی هستیم.

بااندیشیدن به باوری که از نیاگان بلند آوازه ی خویش به مارسیده، می بینیم که، ایرانیان برای شادی ارجی بسیار می شناختند...

شادی ازدید ایرانیان، به آن سرفرازپایگاهی رسیده که همپای آفرینش جهان و مردمان گشته است. آن سان که تکدانه مردی هم چون داریوش بزرگ، شاهنشاه مردم دوست و سامانگر (مدیر) ایران، درسنگ نبشته ای که از او برجای مانده، سخن چنین آغاز می کند:

«بزرگ است اهورامزدا.

که این جهان را آفرید.

که مردمان را آفرید.

که شادی برای مردمان آفرید...»

نیایگان ما، گریه وزاری رازشت و ناشایست می دانستند
و مویه را گناه می شمردند. اکنون این پرسش پدید می آید که:
چه گونه امروز واژگونه ی آن را می بینیم. تا آن جا که گفته
اند:
گریه بر هر درد بی درمان دواست!!

● جشن و آیین های گوناگون

ایرانیان برای آن که باشادی روزگار گذرانند، به برگزاری
آیین های گوناگون و باشکوه می پرداختند. آیین هایی که
هریک پی آمدهایی سازنده داشت و فراهم آورنده ی سودی
همگانی بود.

امروزما، آیین های شادی بخش را جشن می خوانیم و
در گذشته ای دور، خواندن سرودهای گونه گون را با آوای خوش
وساز، جشن می خواندند و جشن خوانی یا جشن خوانی از آن
روزگاران برای مان برجای مانده است.

مادران و پدران سرفرازمان، نخستین مردمی در جهان اند که،
زایش خویش و فرزندان را جشن گرفته و زادروز کسان را،
گرامی داشتند.

شاید برایتان شگفت انگیز باشد، اگر بدانید:

مهربان پاکدل ایرانی و بهدینان (زرتشتیان) بینادل، به
گاه درگذشت کسان نیز کوشش می کنند، برگزار کننده ی

آیین های ویژه ای باشند که در آن، «شادی» را پاس دارند
و به شادی روان در گذشته، شادباشند.

می توان گفت:

ایرانیان پیشین، از زادروز تا مرگ را با شادی می
گذراندند.

اگر از آیین کهن و دیرپای جشن نوروزی و جشن سده
بگذریم، ایرانیان، به ویژه ایرانیان مهری و پس از آنان
زرتشتیان، چهارده جشن بزرگ در درازای سال برگزار می
کردند. از این جشن های چهارده گانه، اکنون بیشتر مردم تنها با
مهرگان آشنایند و برگزارکننده ی آن...

برای آن که یادی از آن همه جشن داشته باشیم بدنیست
بدانیم که:

ایرانیان، سال را به دوازده ماه سی روزی بخش کرده اند.
برای هر روز ماه، نامی و ویژه روشن ساختند. این نام ها، از
اورمزد یا سروردانا آغاز می شود و به انارام یا انیران، روشنی و
فروغ بی پایان می انجامد. چهارده روز در درازای سال، نام روز
وماه یکی است. به همین انگیزه، روزهای برابری نام ماه و روز
جشن برگزار می کردند. برای نمونه، روز مهر از ماه مهر را
جشنی بزرگ بر پا می داشتند که همین مهرگان است. تنها در
دی ماه سه جشن روز و ماه داشتند. زیرا، در هر ماه سه روزی به
نام دی یا آفریدگار داریم.

● مهر و مهریان

برای آن که به مهرگان و چگونگی برگزاری این کهن آیین ایرانی بپردازیم، می بایست نخست از مهر و مهریان ایران سخنی داشته باشیم.

واژه ای که در زبان پارسی کنونی از آن به مهریاد می کنیم در زبان سانسکریت «میترا»، در اوستا و پارسی باستان، و سنگ نبشته های روزگار هخامنشی «میثرا» و در زبان پهلوی «میترا» خوانده می شد.

در برابر واژه ی مهر، واژه هایی چون: خورشید — دوستی و پیمان داریم.

مهر، خدای یگانه، بی نیاز، مهربان، هستی دار، هستی بخش و هستی بان است.

و مهریان، دوستانان مهر، پرستندگان مهر، مهری و یا میتراپی اند.

و مهرپرستی، کهن ترین دین یا دیدگاه درونی در جهان است و درگردهم آیی های جهانی مهرشناسان گواه چنین گفتاری هستیم. مهریان، بستگی، پیوند و برتر از هر چیز، یگانگی خود و هستی راباور دارند. باوری که رد پای زیبای اش را این گونه می توان نشان داد:

چون نور، که از مهر جدا هست و جدا نیست
عالم همه، آیات خدا هست و خدا نیست

ماپرتو حق ایم و هم اوییم و، نه اوییم
چون نور که ازمهر، جدا هست و جدانیست
عبرت نایینی

مهریان پذیرفته اند که:

راه رسیدن به بنیاد هستی گوناگون و به شمار مردم است.
آنان مردمان را هستی یافته می دانند و خدا را هستی دهنده
که میان این دو، پیوندی ناگسستنی است. از این روی:
مهریان را نه پیامبری است و نه، روش زیست و زندگی از
پیش نوشته شده و ارمغان گشته که، نیک بختی دوجوانی
مردم را فراهم سازد. آنان، چنین باور دارند:

بیرون زتون نیست، آن چه در عالم هست
آرنگ (شعار) زیست و زندگی مهریان، گرفته شده از
فرهنگ پربرو بار ایران است و در فرازمانی (جمله ای) چنین،
چکیده شده است:

زندگی برای دیگران

ایرانیان مهری برای رسیدن بدین آرنگ، زیستی سخت
برگزیدند تا به زندگی رسند و توانستند، برای دیگران زندگی
کنند.

به هر روی؛

مهر نام شانزدهمین روز از هر ماه سال خورشیدی ایرانی است
و نام هفتمین ماه سال ایرانی ...

● مهرگان و مهرگانی

ایرانیان، در گذشته هایی بس دور، سال رابه دو بخش می کردند:

تابستان

زمستان

نوروز در آغاز تابستان بزرگ جای داشت و برگزار می شد و **مهرگان** سرآغاز زمستان بزرگ بود. برگزاری این دو آیین پیشینه ای بس کهن دارد و همانندی هایی بسیار. بدان گونه که، بسیاری از انگیزه های برگزاری نوروز و مهرگان را هم سان گواه ایم.

گروهی باور به برتری مهرگان بر نوروز دارند و برخی دگر، نوروز را برترین جشن و آیین ایرانی می دانند.

به هر روی؛

نوروز، جشن آغاز سال گیتی است و مهرگان، جشن رسایی و تکامل زمین.

در این بخش، به چگونگی برگزاری مهرگان و انگیزه ی برپایی جشنی می پردازیم که نیاگان ما، به شکوه و بزرگداشت رسایی زمین برپا داشتند. در سرزمین ما، مهرماه زمانی است که کشاورزان، به دنبال کار و کوشش پی گیر خویش، در درازای سال کشاورزی، برو بار کار هم آهنگ خود و گیتی را، گرد می

آورند. از این روست که؛

پاره ای از پژوهندگان، مهرگان را جشن ویژه ی
کشاورزان و روستایان می دانند.

● مهرگان همگان و ویرگان

مهرگان در شش روز برگزار می شد، که خود نشانی از ارج
و ارزش این جشن بزرگ و انگیزه ی برپایی اش به شمار می
آمد...

مهرگان از مهرروز، شانزدهمین روز مهرماه باستانی آغاز
می شد و در رام روز، بیست و یکم ماه، پایان می یافت.
همان گونه که، تاپیش از دگرگونی های کنونی، در ایران،
هفته ی مهرگان برگزار می کردیم.

مهرگان همگان، از نخستین روز این جشن بزرگ یا
مهرروز آغاز می شد و پنج روز به درازا می کشید و واپسین روز
مهرگان ویرگان نام داشت.

چه زیباست که؛

مادران و پدران مردم دوست ما، پنج روز نخست مهرگان را
ویژه ی همگان کردند و یک روز پایان جشن را از آن ویرگان به
شمار آوردند.

مهرگان از مهرروز، روز مهر، روز دوستی، روز روشنی
ناب، روز خورشید و سرانجام؛ روز پیمان آغاز می شود و در رام

روز، روز رامش و شادمانی، برابر با دهم تا پانزدهم مهرماه
کنونی به انجام می رسد.

● انگیزه های برگزاری مهرگان

پیشینیان ما را باورچنین بود که؛
برگزاری شکوهمند آیین مهرگان را انگیزه هایی است گونه
گون و ما چکیده ی پذیرش و باور آنان را دراین جابازمی
گوییم:

- ۱- پدید آوردن و یا گسترش زمین.
- ۲- ارمغان کردن جان، به کالبد یاتن مشیا (آدم) و
مشیانہ (حوا).
- ۳- برتخت نشستن فریدون.
- ۴- رویارویی کاوه ی آهنگر و آژی دهاگ
(ضحاک).
- ۵- گرفتار شدن آژی دهاگ، به دست فریادون و به بند
کشیدن او، در البرز کوه.
- ۶- تاجگذاری اردشیر، سردودمان ساسانیان.
- ۷- روزی که شاهنشاهان ساسانی، تاج خورشید چهر
برسداشتند و فرزندان را، همان گونه تاج ارزانی می کردند.
و بدان «جشن خسروان» نیز می گفتند.
- ۸- روزهای جشن برداشت فرآورده های کشاورزی و
جشن رسایی زمین.

۹- جشن آغاز زمستان بزرگ.

۱۰- جشن آغاز سال در کهن روزگاران.

۱۱- جشن خورشید و میترا.

۱۲- جشن دوستی، پیوند، پیمان.

۱۳- جشن مغان.

۱۴- جشن فرهنگی.

از آن جا که مهرگان، جشن خورشید جهان تاب وهستی
بخش ما زمینیان است، مهریان چنین باور دارند:

مهرگان، کهن ترین جشن جهان است و سرگذشتی به
درازای زندگی مردمان دارد... و این جشن، بزرگترین
جشنی است که مهریان برگزار می کنند.

● پیشینه ی سرگذشتی مهرگان

درسرگذشت نامه ی باستان، شاهنامه ی فردوسی، آن جا که
خود را رویاروی بازندگی نامه ی هوشنگ شاه پیشدادی می
بینیم، به گزارشی گذرا، و یادی از تازه شدن جشن مهرگان
وسده بر می خوریم. گزارشی که پروردگار زبان و ادب پارسی،
وزنده کننده ی کارنامه و شناسنامه ی ایران و ایرانی، فردوسی
یادی چنین از آن دارد:

بکرد اندر آن کوه، آتشکده

بدو تازه شد، مهرگان وسده

این گونه سخن، نشان از آن دارد که؛

برگزاری آیین هایی چون **مهرگان** پیشینه ای کهن تر از
روزگار هوشنگ شاه دارد که خود زمانی بس دور از ما زیسته
است.

مهرگان را گروهی یادبودی پرارج از فریدون، یکی دیگر از
شاهنشاهان پیشدادی می دانند و از آن میان، سرایندگان نام
دارمان سرودهایی چنین دارند:

مهرگان آمد، جشن ملک افریدونا
آن کجا گاوخوش اش بودی، برمایونا
دقیقی

مهرگان جشن فریدون ملک، فرخ باد
برتوای هم چو فریدون ملک فرخ بال
فرخی

ای امیرمهربان، این مهرگان خرم گذار
فروفرمان فریدون ورز، بافرهنگ و هنگ
منوچهری

درنوروزنامه، نامه ای که از آن خیام اش می دانند، فریدون
را برگزارکننده ی مهرگان می بینیم.

بُنْدِ هِشَن، یکی ازنامه های دینی زرتشتیان، نامه ای که
دست کم رد پا از روزگار ساسانیان دارد، از **مهرگان** به نام
جشنی باشکوه، به بزرگداشت پدید آمدن نخستین زن و مرد جهان
یاد می کند.

کتر یاس، سرگذشت نویس یونانی، پیرامون مهرگان نوشته است:

پادشاهان هخامنشی، در روز جشن مهرگان، پوششی ارغوانی داشتند.

یونانی دیگری به نام استرابو، از مهرگان یادی بدین گونه دارد:

«شهربان ارمنستان، در جشن مهرگان، بیست هزار کره اسب به آیین ارمغان، به دربار هخامنشی می فرستاد...»

شاهنشاهان پارتی (اشکانی) که چیزی نزدیک به چهارسده در ایران فرمانروایی و شاهنشاهی داشتند و برخی از آنان مهری، میتریایی و یا پرستنده ی مهر بودند، به برگزاری و بزرگداشت مهرگان پرداخته اند.

شاهنشاهان ساسانی، در درازای شاهنشاهی دور و درازشان، با این که زرتشتی بودند و پشتیبان آتشکده و موبدان، به بزرگداشت آیین خجسته و فرخنده ی مهرگان پرداخته اند. گروهی به این باورند که:

مهرگان، جشنی است ایرانی، که در پارس، با شکوهی هرچه بیشتر برگزار می شد.

از آن جا که شاهنشاهان ایران، و از آن میان، هخامنشیان، پارتیان (اشکانیان) و ساسانیان، دلبستگی ویژه ای به مهرگان داشتند، پاره ای از سرایندگان ایرانی، مهرگان را جشن خسروان

خواندند:

ملکا! جشن مهرگان آمد
جشن شاهان و، خسروان آمد
رودکی
آمد خجسته مهرگان، جشن بزرگ خسروان
نارنج و ناروارغوان، آورد، ازهرناحیه
منوچهری

● مهرگان و دیگران

فرهنگ ایران و خورشید روشن و روشنی بخش اش، هستی
دهنده است و تابشی جهانگیر دارد. ازاین روی، شگفت انگیز
نیست که گواه برگزاری یکی از آیین های زیبا و باشکوه ایرانی،
درگوشه و کنار جهان باشیم.

بابلیمان، به هنگام برگزاری مهرگان، در ماهی که بدان
ماه «ماه خدای آفتاب» می گفتند، به نیایش آفتاب می
پرداختند و جشنی باشکوه برگزار می کردند.

سغدیان، هم زمان بامهرگان، آیین «نغان» یا «جشن
بغ» یا «جشن خدا» را برگزار می نمودند.

ارمنیان، درمهرماه جشنی به نام «مه گان» داشتند که
بی گمان گرفته شده از مهرگان است.

سرانجام؛

در آسیای کوچک (صغیر)، مهرگان برگزار می شد و از آن جا، همراه با آیین مهر یا مهرپرستی به سراسر اروپا می رفت. اگر به گزارش چند گردهم آیی جهان مهرشناسان بنگریم، می بینیم که، مهریان چه گونه از آسیای کوچک گذشتند و از تنگه ی بسفر و داردانل روانه ی اروپا شده اند و تا آبخست (جزیره) انگلیس پیش رفتند و مهرآبه ها از خود برجای نهادند و آیین ها بر گزار کردند...

با این همه؛

فرخی سیستانی، یکی از سرایندگان نام دار ایرانی، با آن که مهرگان را گشاینده ی در بخت جهان نامیده، جشن مهرگان را و یژه ی مردم خاوری جهان می داند و چنین سروده است و پادشاه خاور را شادباش می گوید:

بگشاد مهرگان، در اقبال برجها
فرخنده باد بر ملک شرق، مهرگان
فرخی

● مهرگان و آتش

بجوی، مهرمن ای، نوبهارحسن، که من
به کارت آیم، هم چون به مهرگان، آتش
رشید و طواط

مهر سه نماد (سمبول — مظهر) آسمانی، زمینی و درونی

دارد.

خورشید، نماد آسمانی مهر است، آتش نماد زمینی آن و دوستی، نماد درونی یا نهادی اش. از این روست که؛ پیشینیان مان، به هنگام برگزاری آیین مهرگان، آتش می افروختند، به نیایش آتش می پرداختند و در پناه روشنی دل خواه آتش، به شادی و شادمانی سرگرم می شدند و در آن آیین، خورشید نیایش داشتند و آن گاه که باهمه ی جان و روان آمادگی گام نهادن به درون خویش یافته بودند، به نیایش مهر می پرداختند و مهر نیایش می خواندند.

آتش مهرگان، گاه به انبوهی آتش سده می رسید و دوستداران آتش، بادست افشانی و پای کوبی گردآتش می گشتند و سرشار از برگزاری مهرگان بودند... و این آتش، گاه تا پگاه روشن بود و روشنی بخش.

به گفتار اسدی، سراینده ی گرشاسپ نامه گوش جان می دهیم و، گواه شکوه آتش مهرگانی می شویم:

بلند آتش مهرگانی بساخت
که تف اش، به چرخ اختران رابناخت
اسدی

اکنون که سخن از آتش به میان آمد، بدانیم که؛
مهریان به شناخت، بزرگداشت، نگاهبانی و نگاه داری سه
گونه آتش، خود را سرفراز می دانند:

آتش بیرونی، آتشی که فروغی است ایزدی و گرمی
بخش و نیرو دهنده.

آتش درونی، آتشی که فراهم کننده ی سوخت و ساز
کالبد جانداران و هستی یافتگان است.

آتش نهادی، آتشی که می توان از آن به «روشنی ناب»
یاد کرد. آن گونه روشنی، که دل را هستی بخشد و درپناه پرتو
پرفروغ اش، مردمان را زندگی ارمغان می سازد... آتشی که
آتش مهرش می خوانند و جان و روان روشن نگاه می دارد...

● مهرگان و سازونوا

چون مطربان زنندنوا، بخت اردشیر
که مهرگان خردک و، گاهی سپهبدان
برای برگزاری آیین و یژه ی نوروز و مهرگان، سرایندگان و
نوازندگان، آهنگ ها و سرودهایی و یژه داشتند. آهنگ هایی
زیر نام:

نوروز کوچک – نوروز بزرگ – مهرگان خردک
(کوچک) – مهرگان بزرگ و گاه مهرگان و سپهبدان.

به هنگام نوروز، دو گونه نواسازی می کردند و به گاه برگزاری
مهرگان، چهار گونه نوا داشتند که این نکته خود می تواند، نشان
از ارج و ارزش بسیاری باشد که نیاگان هنرمندان به نوروز و
مهرگان دادند، به و یژه به مهرگان... و چه زیباست که هنوز

بسیاری از هنرمندان یگانه، به ویژه نوازندگان تکدانه، خود را سرفراز به خواندن و نواختن مهرگان ها — مهرگانی و سپهبدان می دانند و بخت اردشیر که یکی از گوشه های ساز و نوایی ایرانی است.

پاره ای از ویژه کاران ساز و نوای ایرانی و خنیاگران چیره دست، مهرگان رایازدهمین پایگاه (مقام) ازدوازه پایگاه نوایی ایران به شمار می آورند. هم آنان، فارابی و صفی الدین ارموی، دوتن از بنیادگذاران ساز و نوای ایرانی را، آغازگر این بخش از هنر جهانگیرمان می دانند.

در آیین زیبای مهرگان، نیاگان شادی آفرین مان، تنها دل به شنیدن آوای ساز خنیاگران و نوای جان بخش خوانندگان، خوش نمی داشتند و، به پای کوبی و دست افشانی، و رخس (رقص) و مبه، گساری نیز می پرداختند. دوریس، سرگذشت نویس باختری، یادآور این نکته است که:

در جشن مهرگان، پادشاه نیز می رخسید...

کتزیاس یونانی، در گزارش برگزاری مهرگان در ایران، چنین یادآور است:

پادشاهان هخامنشی، هرگز نمی بایست مست شوند، مگر، در روز جشن مهرگان که در باده پیمایی با می خوارگان، انباز (شریک) بودند.

● مهرگان و پیمان

مهریا میترا، دوستدار پیمان است و دوستی و پیوند.
مهریان را باور بر این است که:

مهرگان، بهترین زمان برای بستن پیمان است. به ویژه،
پیمان زناشویی.

مهرگان، خجسته هنگامی است، برای نوکردن پیمان
های دیرین و کهن.

مهرگان باشکوه را، خود رای زنان، برای بستن پیمان شاه
زنی و شاه مردی بر می گزینند. خود رای زنان، زن و مردی
بودند که به هنگام بستن پیمان زناشویی، نتوانسته بودند رای
شادی بخش یک یا چند تن از رای دهندگان و پذیرندگان پیمان
را داشته باشند. در آن روزگاران، برای آن که دختر و پسر بتوانند
باشکوه ترین پیمان همسری و همروانی یا شاه زنی و شاه
مردی را داشته باشند، می بایست پذیرش تنی چند از بستگان و
رایزنان (مشاوران) خانوادگی را دست آورند. زیرا، چنان
پیمانی برخوردار از ویژگی هایی نیک و باشکوه بود. با این
همه، از خود رای زنان، پیمان زناشویی گرفته می شد. آنان می
توانستند با هم آهنگی خود، در درازای زمان، نشان دهند که در
خور بستن با ارزش ترین پیمان نیز هستند). از این روی؛

مسعود سعد سلمان، سراینده ی پرآوازه ی ایرانی، رو به نگار
مه روی و مهربان خویش، گفتاری چنین ماندگار دارد:

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان
مهر بفرزای ای، نگار ماه چهر مهربان

مسعود سعد

به راستی که چه زیباست، مهرورزی دوستان، به گاه
مهرگان. به ویژه اگر کسی بتواند، رهی به جهان پرشکوه
دوستی و مهریابد و دست و دل باز، دوست بدارد...

● مهرگان و داد و دهش

یکی از ویژگی های مهریان، پذیرش و کار برد آرنگ
(شعار) کوتاه و باشکوهی است که جهان ها جهان، اندیشه ی
نیک در خود جای داده است و چنین است آن آرنگ با فر
وشکوه، پیوند دهنده و زندگی بخش:

زندگی برای دیگران

از این روی؛

برگزار کنندگان جشن مهرگان، به داد و دهش همگانی
می پرداختند. به ویژه مهریان.

در کارنامه ی اردشیر پاپکان (بابکان) و خسرو انوشیروان،
شاهنشاهان ساسانی آمده است که:

هنگام برگزاری مهرگان، مردمان را جامه ی نومی
بخشیدند.

... و این گونه دهش همگانی، از آن روی بود که؛ ایرانیان

نادار نیز با پوششی نو، در این فرخنده جشن همگانی، انباز باشند
وزمستان را گرم گذرانند.

مهرگان آمد، گرفته فال اش از نیکی مثال
نیک روزو، نیک جشن و، نیک وقت و نیک جان
عنصری

● مهرگانی

از مهر و مهرگان سخن گفتیم. یادی هم از مهرگانی کنیم:
چو کردی، نوایی، مهرگانی
ببردی، هوش خلق، از مهربانی
نظامی
مهرگانی، خجسته آیینی است پیوسته به مهرگان و بهتر آن
که بگوییم:

مهرگانی، آغازگر مهرگان است.

مهرگانی، بابر فروختن آتش و یژه ی خویش، بامدادان،
بدآن هنگام که از کرانه های دور خاوری، روشنی مهر، جهان و
جهانیان را زندگی تازه می بخشد، و پیش از برآمدن خورشید،
آغاز می شود.

به فرخی و به شادی و، شاهی، ایران شاه
به — مهرگانی — بنشست، بامداد پگاه
در این هنگام، همان گونه که زبانه ی سرکش و ناآرام آتش

مهرگانی، به کیهان سر می کشید، نوازندگان مهرگان می
نواختند و خوانندگان هم آهنگ با آنان، ترانه خوان و
سرودگویان، به پیشباز مهر جهان تاب می شتافتند.

«مهرگانی» بخشی است از «دستگاه شور»، پس از
«نشیب و فراز» یادگاری است از هنرمندان با فرهنگ، و
جاودانه ی ایران.

«مهرگانی»، نوایی است از ساخته های سی گانه ی
باربد، سازنده و نوازنده ی نام دار روزگار ساسانی، که به
«نوی بیست و پنجم» روشناس (مشهور) است...

ارج و ارزش مهرگانی، تا بدان جا رسیده بود که:
فرخی، شب مهرگانی هر سال، به سرودن چامه و ترانه ای
ستایشی می پرداخت و شاه رارمغانی شایسته و درخور داشت.

شب مهرگان بود و من، مدح گویم
خداوندرا، هرشب، مهرگانی
فرخی

گروهی از پیشینیان، هم چنین پژوهندگان کنونی، برای
اندیشه اند:

مهرگانی، چیزی است همانند نوروزی...
خوب!

مهرگان آمد، هان! در بگشایدش

آیا به راستی؛

آماده ی پیشباز و پذیرش مهرگان هستیم!؟

● پیشباز مهرگان

مهریان، نیاگان، پیشینیان، به و یژه بهدینان (زرتشتیان)، هر آن چه در آستانه ی نوروز و سال نو، انجام می دادند، در پیشباز مهرگان، به انجام می رساندند.

پیشباز کنندگان مهرگان، به شست و شوی برون و درون می پرداختند. همان گونه که تن، خانه و کاشانه پاک و پاکیزه می کردند، دل از بدی ها می شستند و شادمان به داشتن اندیشه، گفتار و کردار نیک، چشم به راه در آمدن به جشنگاه مهرگان بودند و فرارسیدن مهرگانی.

برای خوش بو کردن تن، از روغن و یژه ای که از گیاه بان یا بان می گرفتند و به خویش می مالیدند، بهره می بردند. پوشاک پاک و پاکیزه و نو، به رنگ های شاد و شادی بخش و بیشتر ارغوانی می پوشیدند.

به خویش و دیگران، گلاب می پاشیدند و از خوان یا سفره ی مهرگان به شادی می خوردند و همگان را ارزانی می داشتند.

● سفره ی مهرگان

جشنگاه مهرگان یا جایگاه و یژه ی برگزاری آیین مهرگان را با پارچه ی سپید یک دست و پاک و پاکیزه می پوشانند.

روی این پارچه، پارچه ی گرد سرخ و درخشانی پهن می کنند. درکانون (مرکز) این پارچه، نشان و یژه ی میتراییان می گذارند. نشان دوازده پری که از خورشید هستی بخش نشان دارد و نمایان گر پایه های گونه گون فرهنگ ایران است. گرداگردش را دوازده سپندار (شمع) فروزان و روشنی بخش می نشانند. نشان های قَرَوَهَر و زُرَوان و چهره ی نمادین (سمبولیک) مهر (میترا) آرایش بخش خوان مهرگان است. آتشدان روشن و فروزانی نیز بر سر سفره می گذارند. شش سپندار بلند و روشن به یادآوری شش یار هستی، در دستگاه بینشی (عرفانی) ایران، یارانی که از آنان به فروزه های نیک خدای یگانه یاد شده، هم آنان که امشاسپندان خوانده می شوند، روشن است و فزاینده روشنی سفره ی مهرگان. هفت میوه ی ویژه ی جشن و آیین مهرگان، نیشکر — انگور سپید — لیمو نارنج و یاترنج — سیب — به — انار و شیلان (عناب) بالای خوان مهرگان می گذارند. سه گلدان سرو (درخت و یژه ی مهربان — درخت همیشه سبز و زیبا و سرفراز) بیرون از پارچه ی سرخ، روی سپید پوشش جشنگاه می گذارند. سه سبزه ی یک دست و اگر شدنی باشد، سه دسته گیاه مُورد یا گُئار (سدر) به نشان سبزی یک پارچه و ریشه دار بودن اندیشه، گفتار و کردار نیک و سودرسان، نهاده می شود و پس آن گاه، هفت سپندار روشن دگر، آرایش بخش جشنگاه است که نمادی از هفت

ستاره ی درخشان جهان خورشیدی ماست. شش کوزه یا گلدان آفتاب گردان، یا گل هایی زرد یا سرخ، چهره ای زیبا و رنگین به جشنگاه می بخشد. دو برافراشته درفش (پرچم)، دوسوی خوان مهرگان جای گزین شده است. آینه، تخم مرغ خام و پخته و رنگین، جامی پرآب که ماهی سرخ یا رنگینی در آن است و بر بالای اش نیلوفر آبی جای دارد، در سفره می بینیم و گلاب پاشی پراز گلاب و تنگی از می سرخ فام... هفت گونه شیرینی سپید و رنگارنگ نهاده بر سفره، به شیرین کامی باشندگان (حضر) می افزاید.

همه جا پاک است و پاکیزه... سبز است و خرم... روشن است و روشنی بخش... بوی خوش خوراک آتش (خوراک آتش، چیزهای خوش بویی است که درون آتش می ریزند)، خوش بوکننده ی جشنگاه است و خوراک و یژه ی مهرگان نیز در کار ساخته شدن، بر بالای دوده (اجاق) آتش... (خوراک و یژه ی مهرگان آشی است که از گوشت و سبزی و دانه های گوناگون فراهم می آورند).

... و برگزار کننده ی آیین مهرگان، ایستاده رویاروی باشندگان (حضر).

همایون و فرخنده بادت نشستن
بدین جشن فرخنده ی مهرگانی

● برگزاری آیین ویژه ی مهرگان

مهرگان، جشن و آیینی است ویژه ی همگان و بیشتر درکانون های خانوادگی و دودمانی انجام می گیرد. به ویژه، «مهرگان و یژگان». با این همه؛

گاه پاره ای از مهربان، از آن جاکه به راستی مهرآبه راخانه ی دل می دانند، به مهرآبه روی می آورند و برخی از زرتشتیان به آتشکده روی می نهند.

پیش از برآمدن آفتاب، همان زمان که مهرگان آغاز می شود، آوای زنگ مهرآبه یا آتشکده، آغاز جشن بافر و شکوه مهرگان را به گوش جان و دل و سرهمگان می رساند.

از آن جاکه، آیین جشن مهرگان، همه جا یکسان برگزار می شد و از کنار دوده های خاندانی روستایی گرفته تا کانون دربار شاهنشاهان، گواه برگزاری مهرگان بودیم، یادی از مهرگان ساسانی می کنیم:

مهرگان، با آتش مهرگانی و سپس ترانه وساز و نوای مهرگانی آغاز می گشت. پس آن گاه، موبد موبدان یا بزرگ پیشوای دینی، همراه با دانشمندان، بزرگان و نام داران، مردان رزم و بزم و نمایندگان مردم، به دیدار شهریار می رفتند. آفرینگان (سرود ستایشی) خوانده می شد. موبد موبدان گلاب ارمغان می کرد و شیرینی و بابهره گیری از آن چه پیش از این یاد کردیم، سفره ی مهرگان را با ارمغان های دوستداران مهرگان می گسترد.

موبد موبدان، به خواندن نمازی آریایی و سازنده می پرداخت و پس آن گاه آیین ویژه ی نیایش مهرگانی بدین گونه انجام می گرفت:

- نیایش آتش.
- نیایش خورشید.
- نیایش مهر.

... ومهریان، این همه راباشکوهی هرچه بیشتر، از آن
سوی کرانه ناپیدای سرگذشت تاکنون باسرفرازی دارند
وانجام می دهند.

جشن و آیین مهرگان همگان یا مهرگان بزرگ بدین گونه و
با همراهی مردم، ساز و آواز، پای کوبی و دست افشانی و جام
گردانی و باده نوشی دنبال می گشت.
و مردم هم آهنگ با شاهنشاه، سالی نو یا زمستان بزرگ را
آغاز می کردند...

... و شاید این زبان بود که به گفتاری نیک و زیبا به
گردش در می آمد و هرکس روبه دیگری، چنین می سرود:
مهرگان برتو، همایون بادو، ازتأثیر بخت
سال، سرتاسر، همه ایام تو، چون مهرگان
مهرگان کوچک یا مهرگان و بزرگان در واپسین روز جشن
های مهرگان درخانه ها انجام می گرفت و ویژه ی هموندان
(اعضاء) خانواده بود.
باید یادآور شوم که:

آیین ویژه ی نیایش مهرگانی را مهریان از نخستین روز تا
واپسین روز جشن، بسته به زمانی که داشتند، در پگاه و یا
شامگاه انجام می دادند. زرتشتیان کهن این آیین را یادر
نخستین روز و یا واپسین روز برگزار می کردند. اگر نخستین
روز را بر می گزیدند، پگاه و گرنه درانجامین روز، شامگاه

سرفرازی داشتن چنان آیینی را داشتند.

● ارمغان مهرگانی

ارمغان همگانی مهرگانی، جشن است و شکوه و شادی و سرشاری و یژه ای که همگان در پناه راستی و مهر دست می آورند.

ارمغان و یژه، با شیرین کامی و خوش بوشدن آغاز می شود و به مهرگانی دادن و گرفتن فرجام می یابد. بزرگ ترها و بزرگان سرفراز به ارمغان ارزانی کردن و کوچک ترها، شادمان به دریافت اش هستند و گاه از سوی همگان پیشکش هایی به و یژگان نیز داده می شود و از همه زیباتر، بنیادهای نیک سودرسانی است که در این خجسته زمان پا می گیرد. داد و ستدهای دوستانه ی مهرورزان که جای خود دارد.

برای این که به نام دوستدار مهر و مهربان، من نیز
سرفرازی ارمغان پیشکشی به مهربانان خویش و خوانندگان
این نوشته داشته باشم، به جاودانگی مهرگان، رنگه ای از
برگزاری آیین ویژه ی نیایش مهرگانی مهربان را ارزانی می
دارم:

خوان مهرگانی و آرایش چشمگیر و زیبای اش همانی است
که یادآور شدم. تنها چیزی که بدان افزوده می شود، نشان و یژه
ی خاندانی است.

برگزارکننده پیر، پدر و یا پیشگامی است مهری.
پوشش و یژه ی برگزارکننده، جامه ی ماندگار میتربی
است.

برگزارکننده، برای آماده شدن هرچه بیشتر خویش، پس از
شست و شوی وانجام نماز و یژه مهربان، همراه با سپنداری
روشن که در دست چپ دارد، به جشنگاه می آید و در برابر
آتشدان می ایستد. وی برای آماده کردن باشندگان، به
بازگویی سرودهایی می پردازد که رهنمون وی و دیگران، سوی
پرتوهای درخشان، و فروغ تابناک روشنی ناب است.

برای آن که باشندگان وی را بهتر بشناسند، نام و برنامه
(لقب — عنوان) خویش می گوید. هم آهنگ با نوای دلنشین
ساز، پیمان راستی گفتار می بندد...

به شادی فروهر روان درگذشتگان — باشندگان و

آیندگان، جام می ناب و سرخ فام می نوشد.
به جاودانی فروغ آتش، آتش را خوراک آتش ارمغان
می کند.

به زندگی بخشیدن هرچه بیشتر آهنگ هم آهنگ
زندگی، زنگ می زند.

... و به نمازی چنین می پردازد:

راستی بهترین نیک بختی است

و

بهترین نیک بختی از آن کسی است که

دارای بهترین راستی است

و آن گاه می افزاید که:

سرفرازی انجام سه نیایش دارد.

● نیایش آتش.

● نیایش خورشید.

● نیایش مهر.

پیش از انجام هر نیایش، آتش را خوراک ارمغان می کند و
زنگ می نوازد و پس آن گاه به نیایش می پردازد.

آتش نیایش — خورشید نیایش و مهر نیایش جاودانه ی
مهریان، آن گونه که از پیشینیان به یادگار مانده و به آیندگان
سپرده می شود... و این همه از آن روست که باشندگان رهی به
جهان درون یابند و به زندگی برای دیگران رسند... و چنین

است نیایش های سه گانه:

● آتش نیایش

«ای آتش پاک گهر...»

ای بزرگ ترین ارمغان هستی هستا...

توسزاوار ستایشی.

می ستایم تورا.

می ستایم تورا، که روشنی بخش خانه ی منی.

سزاواری، ستایش و نیایش را...

به نگاهبانی تو بایستی، پارسایی آراسته، با ارزش و با
فرهنگ گماشته شود.

پارسایی که برایت سرود بسراید. هم آهنگ با سازی
دلکش.

فروزان باش تو در این خانه.

همواره سرخ فام و درخشنده باش، تو در این خانه.

درود به تو ای آتش.

ستایش برای تو ای آتش.

ای آتش...

می ستایم این روشنی پاک و درخشان را...

یاری و کمک ده.

تا در پرتو روشنی پاک و ناب و درخشانت،

با بدی، زشتی و بداندیشی،
پیکار کنم.
به فروغ جان بخش خویش،
روان ام را پالایش ده، تا شایسته ی رسیدن به خود و
خورشید نهان گردم،
تا بتوانم،
به زندگی برای دیگران رسم و دوست باشم.
تا بتوانم،
کولی مهرآیین مانم و دیگران را سودرسان گردم.
ای آتش پاک گهر... ای آتش...»

● خورشید نیایش

«با اندیشه، گفتار و کردار نیک،
خورشید هستی بخش را می ستایم.
خورشید درخشان را.
من ام، رهرو راه مهر، که روشنایی خورشید، از فروغ
اوست.

خورشیدی را نیایش می کنم که،
چهره ی آسمانی مهر و میتر است.
می ستایم خورشید هستی بخش را،
خورشیدی را می ستایم که،

مارا رهنمون سوی روشنی ناب است.
خورشیدی که روشنی بخش دل ماست.
به امید رسیدن به خورشید درون،
در برابر خورشید برون،
سرکرنش فرود می آوریم.»

● مهر نیایش

«مهر را می ستایم.
می ستایم او را، با بهترین نیایش ها. همراه با نوای
یکدست ساز.
بلند آوازگی و پیروزی برایش باد.
ای میترا...
می ستایم تو را،
که راستی بنیاد نهادی.
که نیکویی هایت فزون از شمارست.
که هستی بخشیدی.
ای میترا...
تو را می ستایم،
که چونان انگشتی زرین، کشورم را فرا گرفته یی.
که همواره همه جا هستی.
که دل را پایگاه داری.

می ستایم تورا...
تویی که دوست هستی و دوستی بخش.
تویی که مهرنام داری و میترا...
تویی که دوستی را ارمغان کردی.
ای میترا...

به نیایش تومی پردازم.
که مهربان به تو دم می زنند.
که کولیان مهرآیین را سرفرازی بودن بخشیدی.
که پرشکوه هستی.

می ستایم تورا،
تویی که نیایش سوی من، کشورم ایران، از آن توست.
تویی که نگاره ات، آرایش بخش دل و جان، و مهرآب
ماست.

تویی که پیمان و پیوند را دوست داری.
ای میترا...
باهمه ی جان و روان، به نیایش تومی پردازیم. زیرا؛
توسزاوار نیایش و ستایشی...
ای میترا...
از روشنی ناب و فروغان فروغ ات، مارا برخوردار ساز.
ای میترا...

می خواهیم که باهمه ی زیبایی ها، به سوی ات باز

گردیم.

پذیرای مان باش.

پیمان، پیوند ویگانگی مارا بپذیر.

ای میترا...

تورا همراه با بهترین آهنگ ها نیایش می کنیم.

ای میترا...»

● یادى از مهرگان برون مرزى

یک سال پیش، مهرماه ۲۵۴۴ شاهنشاهی ۱۳۵۴ یزدگردی، به خواست و پیشنهاد ایرانیان پاکدل و مهربانان مهرورز، هموندان انجمن دوستداران فرهنگ ایران، در مادرید (اسپانیا)، سرفرازی انجام آیین مهرگان را هم آهنگ با آنان داشتیم. یادماندگار آن مهرگان برون مرزى، همواره با من است و یاد ایرانیان فرهنگ دوست، به ویژه مهربان منوچهر فرهنگى و گرانمایه بانوى اش، بهدینان ارجمند و ایران پرستان مهرآور، زنده در دل ام.

نیکی پناه باد

برهان

مهرماه ۱۳۵۵ یزدگردی

پاریس

از همین نویسنده

- ۱- بیژن و منیژه
- ۲- فریدون
- ۳- شاهنامه نیاز زمان ماست - دو چاپ
- ۴- گشت و گذار پیر- دو چاپ
- ۵- نیکوکاری در ایران باستان - دو چاپ
- ۶- دیدگاه ایرانی - سه چاپ
- ۷- زبان پارسی - دو چاپ
- ۸- گذری بر مصر
- ۹- گذری بر هند
- ۱۰- در جست و جوی مهر
- ۱۱- زرتشت و زرتشتیان - چهار چاپ
- ۱۲- آشنایی با فرهنگ ایران
- ۱۳- زیست و زندگی فروهر
- ۱۴- آتش و سده - دو چاپ
- ۱۵- نوروژ، آیین هزاره ها
- ۱۶- بینشوریشگام - ابوسعید ابوالخیر

برای کودکان ، نوجوانان

- ۱- بیژن و منیژه همراه با فیلم
- ۲- فریدون همراه با فیلم
- ۳- کیومرث و شاه زادگان سیامک و هوشنگ

سرگذشتی کهن از شاهنامه فردوسی

- ۱- اردشیر بابکان
- ۲- رستم و سهراب
- ۳- بهرام گور
- ۴- سهراب و گردآفرید / کرم هفت واد
- ۵- کیومرث، نخستین شاه جهان